

یوهان ولفگانگ فون گوته

فاؤست

تراژدی، بخش اول

ترجمه‌ی سعید حدودی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Johann Wolfgang von Goethe

Faust

Der Tragödie Erster Teil

Reclam, Stuttgart 2000

سرشناسه	گوته، یوهان ولفگانگ فون، ۱۷۴۹-۱۸۳۲ م.
عنوان و نام پدید آور	فاؤست: تراژدی بخش اول / یوهان ولفگانگ گوته؛ ترجمه محمود حدادی.
مشخصات نشر	تهران: نیلوفر؛ دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵.
مفصصات ظاهری	ص: ۲۶۶؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شاب	978-964-448-662-3
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت:	عنوان اصلی: <i>Faust: Der Tragödie erster Teil, 1968.</i>
یادداشت	کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط ناشران و مترجمان متفاوت منتشر شده است.
یادداشت	کتابنامه: ص ۲۶۷.
موضوع	نمایشنامه آلمانی - قرن ۱۸ م.
موضوع	German - 18th century
شناسه افزوده	حدادی، محمود، ۱۳۲۶ - ، مترجم
شناسه افزوده	دانشگاه شهید بهشتی
رده‌بندی کنگره	۲۱۰۷ ف PT
رده‌بندی دیویی	۲/۶
شماره کتابشناسی ملی	۴۴۴۶۲۹



انتشارات نیلوفر با همکاری انتشارات دانشگاه شهید بهشتی



یوهان ولفگانگ فون گوته

فاؤست

تراژدی، بخش اول

ترجمه محمود حدادی

حروفچینی: شبستری

چاپ گلیان

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

فروش اینترنتی: www.behanbook.ir



فهرست

یادداشت مترجم	هفت
گشایش گره	۱۳
پیش‌پرده رتئاتر	۱۵
پیش‌گفتار در آستانه	۲۲
بخش یکم ترا دی، شب	۲۷
در آستانه‌ی دروازه	۴۳
اتاق کار - ۱	۵۵
اتاق کار - ۲	۶۴
سرداب شرابخانه‌ی آذربایجان	۸۰
آشپزخانه‌ی عجوزه‌ی جادو	۹۲
خیابان - ۱	۱۰۳
سر شب	۱۰۶
پیاده‌روی	۱۱۱
خانه‌ی همسایه	۱۱۳
خیابان - ۲	۱۱۹
باغ	۱۲۱
آلاچیق درون باغ	۱۲۷
جنگل و غار	۱۲۹
اتاقِ گرگ‌نشین	۱۳۴
باغ مارتیه	۱۳۶

۱۴۱	در پای چشمه
۱۴۳	حصار شهر
۱۴۵	شب
۱۵۱	کلیسا
۱۵۴	شب والپورگیز
۱۶۸	خواب شب والپورگیز
۱۷۷	رو گرفته، دشت
۱۸۰	سب ریک، پهنه‌ی دشتی باز
۱۸۱	سیاه‌جال
۱۸۹	پی‌نوشت‌ها
۲۲۳	تاریخچه‌ی «فائست نام» نویسی
۲۵۲	ماجرای سوزان مارگاریته برانت
۲۵۶	ترانه‌های سه‌گانه‌ی گوتتر
۲۶۰	نقش‌ها و نام‌ها

یادداشت مترجم

فاؤستِ کوتاه نمایشنامه‌ای است در دو بخش، در قالب زبان منظوم، با مضمونی که گوته خود آن را تراژدی خوانده است. این شاعر کلاسیک آلمانی از سال ۱۷۷۱ تا ۱۸۳۱، یعنی بیش از شصت سال، از جوانی تا کهن سالی به این اثر - البته در دوره‌هایی کوتاه یا بلند - قوام بخشیده است، آن هم در دهه‌هایی که یکی از پربارترین و پرتلاطم‌ترین دوران‌ها در تاریخ بشر بوده است، دوران نوابغ بزرگ در عرصه‌ی هنر، فلسفه، دانش و سیاست؛ دورانی که در سرآغاز آن انقلاب جمهوری خواهانه‌ی فرانسه شکل گرفته است و کوتاه‌زمانی بعد جنگ‌های ناپلئونی، پیدایش صنعت، جهانی شدن سرمایه و سرانجام نیز خونین کشورهای پیشرفته‌ی اروپایی برای تسخیر استعمارگرانه‌ی جهان.

گوته در مقام نویسنده، دولتمرد و دانشمندی جامع‌اندیش، تمامی این رویدادها را تجربه کرده است و حاصل این تجربه خواهی نخواهی در این اثر شصت‌ساله بازتاب می‌یابد؛ ضمن آن‌که اصل داستان وامی است از واقعیت و افسانه در آلمان سده‌ی شانزدهم و پایان قرن‌های تاریک وسطا.

در شکل‌یابی غایی این اثر نه تنها درک دگرگونی‌های تاریخی، اجتماعی و علمی دو قرن هجدهم و نوزدهم سهم داشته‌اند، بلکه ذوق و اندیشه‌ی چند نهضت ادبی-فلسفی هم، خاصه و بیش از همه عقل‌باوری نهضتِ روشنگری، شور انقلابی و ضد فئودالی جنبش توفان و طغیان، تفکر موزونی‌خواه و تعادل‌جوی کلاسیک، و روان‌شناسی و زیبایی‌گرایی مکتب در ضمن غریزه‌باورِ رمانتیک هم.

گوته طی این شصت سال گاه با شور جوانی به این اثری و پایه بخشیده است و گاه — خاصه در دوران مسئولیت‌های دولتی و پژوهش‌های طبیعت‌شناسانه‌اش — در پیش‌برد آن وقفه‌هایی چندساله انداخته است و به خود آن مهلتی راداده است که لازم است تا «خون شیر شود»، با چالش‌های تازه‌ی تاریخ موضوعاتی نو به آن وارد کرده است. در انسجام بخشیدن به آن از دیدگاه‌ها و تدبیرهای فریدریش شیلر، دوست نابغه و نظریه‌پرداز خود بهره گرفته است، سپس جهان‌دیدگی پیری را دستمایه‌ی تکمیل آن قرار داده است و تنها ماه و هفته‌ای پیش از مرگ در ۲۲ جولای ۱۸۳۱ مَهر فرجام را بر این پایه پایان آن — در بخش دوم این تراژدی — نشانده است.

اما اگر موضوع فاؤست به قرن شانزدهم آلمان برمی‌گردد، نقش‌مایه‌ی این اثر، یعنی آرزوی انسان برای خروج از تنگنای زمانی و مکانی هستی خود، به عبارتی دیگر آرزوی او در گریز از سبوت خاکی و دستیابی‌اش به خدای وارگی، از موضوعات همیشگی ادبیات جهانی بوده است. نتیجه آن‌که گوته براساس این موضوع پُرسمد، در تدوین این تراژدی انسانی با بسیاری متون باستانی از در دادوستد درآمده است و چنین، در یک پیوند بینامتنی چندجانبه، خاصه با اسطوره‌های یونانی، کتاب مقدس و آثار فلسفی دهه‌ری عصر رنسانس، اوراق این صحیفه را عرصه‌ی گفت‌وگو با ادبیات جهانی ساخته است.

در کتاب حاضر فقط ترجمه‌ی بخش اول فاؤست آمده است. بخشی مستقل که درون‌مایه‌ی بنیادین آن حاصل روزهای جوانی گوته است و گوته در آخرین اظهارنظر درباره‌ی آن، در فوریه‌ی ۱۸۳۱، یعنی در هشتادویک سالگی، آن را کتابی خوانده است که «جان‌مایه‌اش آرزوهای عام انسانی است در پس‌زمینه‌ای از قیدوبندهای جامعه‌ای فروسته؛ برعکس بخش دوم که اثری است کمتر روایی و بیشتر انتزاعی و فلسفی...» جایگاه رویدادهای بخش دوم اگر تمامی جهان باشد، جایگاه رویدادهای این بخش زمان و مکانی مشخص در آلمان دارد. برای همین آلمانی‌ها راحت‌تر به آن راه می‌جویند و از آن — برای زبان خود — بیشترین ضرب‌المثل و تکیه‌کلام را هم گرفته‌اند. این بخش در ضمن با ساختار عاطفی و پررنگ و رویداد خود، اجرایی آسان‌تر هم می‌یابد و هر ساله نوبه‌نوبه صحنه می‌رود.

فاؤست، بخش یک، که طرح نخستین اش همزمان با نگارش رنج های ورت، در سال ۱۷۷۳ به روی کاغذ آمد و متن نهایی اش در سال ۱۸۰۶ برای چاپ رفت، دارای دو موضوع کانونی در دو فصل است: در فصل اول، فاؤست در مقام انسان، انسانی که حضور کوتاهش در ساخت هستی به ناچار و به فرمان اجل بر شناخت، تجربه و میدان عمل او مرز می نشانند، با شیطان پیمان می بندد، تا مگر به این وسیله به آخرین رازهای گیتی پی ببرد؛ و این پیمان پرتضاد، تراژدی دانشمند را رقم می زند. و اما در فصل دوم، فاؤست در عین تمامیت خواهی علمی از پی لذت های تنانی هم برمی آید و تجربه ی به ناچار عاری از پای بندی اش در عشق، آن هم در جامعه ی فروبسته ی فنودالی، زمین ساز ترنای گیرش می شود.

ارائه ی شرحی کوتاه بر نامیحات، و اشاره ای ولو مختصر به تاریخچه ی پیدایش این کتاب، نیز بیان انگیزه های مشخص تراجمی و اندیشگی آن، در چارچوب این یادداشت نمی گنجد. ضمن آنکه بدین شرح این ارجاعات، متن با همه ی چندسویگی اش — و بسا به همین سبب — گنگ به نظر می ماند از این رو براساس هریک از دیدگاه های بالایی نوشت ها و سرفصل هایی در آخر — آمده است تا به این ترتیب چشم اندازی روشن تر به روی این اثر باز کنند که به هر حال — و البته در متن اصلی — آن را قله ی ادبیات کلاسیک آلمان، و گاه حتی بازتاب روح آلمان کشور خوانده اند.

ضمن سپاس از باریک بینی های دکتر محمد راغب، روبرو گواهی استاد مصطفی ملکیان، در پایان یادآوری می کند از جمله ی اصوات ترکیبی در زبان آلمانی همایش آ بائو است که از این حروف سه گانه — از جمله در نام Faust — صدای مرکبی می سازد که الفبای فارسی برابر نهادی برای آن ندارد. دانشجو صهبای سلیمی برای ادای صدایی نزدیک به این واژه های مرکب آلمانی، بالای واو بعد از الف همزه نشانده است. ترجیح شیوه ی نگارش فاؤست در این کتاب، به دقت ایشان برمی گردد.